



# تحلیل فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) با تأکید بر حدیث معارین

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵  
غلامرضا خوش نیت<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در حوزه دین‌پژوهی و تربیت دینی، ریزش‌های ایمانی و ناپایداری باور در شرایط بحران‌های اعتقادی است؛ پدیده‌ای که در منابع روایی با دو مفهوم «ایمان مستودع» (ایمان موقت و امانت‌گونه) و «ایمان مستقر» (ایمان ریشه‌دار و پایدار) تبیین شده است. حدیث معارین با ترسیم وضعیت ناپایداری ایمان در مواجهه با آزمون‌ها از جمله منابع بنیادین برای تحلیل این تمایز است. این حدیث با اشاره به ریزش افراد در مسیرهای لغزنده بر لزوم استقرار ایمان در جان مؤمن تأکید می‌ورزد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع روایی، تفسیری و کلامی در پی تبیین فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ائمه اطهار (علیهم السلام) با به‌کارگیری سازوکارهایی همچون تربیت عقلانی و تقویت معرفت دینی، تربیت عاطفی و قلبی، تربیت عملی و الگوسازی، تربیت تدریجی و مخاطب‌شناسی زمینه شکل‌گیری ایمان مستقر را در جان پیروان خود فراهم می‌ساختند. این پژوهش در نهایت نشان می‌دهد که بازخوانی سیره معصومان در پرتو حدیث معارین، می‌تواند الگویی راهبردی برای نظام تربیت دینی معاصر در مواجهه با بحران‌های اعتقادی فراهم آورد.

**کلیدواژه‌ها:** ایمان مستقر، ایمان مستودع، حدیث معارین، سیره اهل بیت (علیهم السلام).

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی قم، قم، ایران: r\_khoshneyat@yahoo.com

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. مسئله پژوهش

در عصر معاصر، دگرگونی‌های گسترده فرهنگی، اجتماعی و فناوری، چالش‌های جدی در حوزه ایمان دینی، به‌ویژه در زمینه پایداری و ثبات آن، پدید آورده است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با ایجاد بستری برای گردش سریع اطلاعات، آگاهی‌های دینی را به صورت بی‌سابقه‌ای در معرض دیدگاه‌ها و نقدهای متنوع و گاه متضاد قرار داده‌اند. این وضعیت زمینه‌ساز بروز تردید در باورهای ایمانی و حتی ریزش‌های اعتقادی در میان مؤمنان شده است (نصر، ۱۳۸۵: ۱۲). از منظر دین‌پژوهی و تعلیم و تربیت دینی، این وضعیت نیازمند واکاوی جدی و ارائه راهکارهایی مؤثر برای تثبیت و نهادینه‌سازی ایمان است.

در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در منابع حدیثی و کلامی شیعه، از دو نوع ایمان با عناوین «ایمان مستقر» و «ایمان مستودع» سخن به میان آمده است. ایمان مستقر به ایمانی اطلاق می‌شود که در عمق جان و دل انسان رسوخ کرده و در برابر ناملازمات و فتنه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی از پایداری لازم برخوردار است. در مقابل، ایمان مستودع، ایمانی ناپایدار است که هنوز در جان انسان ریشه ندوانده و همچون امانتی موقتی در اختیار فرد قرار دارد که در معرض زوال و از دست رفتن در برابر فتنه‌ها و آزمون‌هاست. در حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) معروف به حدیث معارین نقل شده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينِ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ. قَالَ: قُلْتُ: أَمَّا الْمُعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الرَّجُلَ يُعَارُ الدِّينَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهُ...؛ خدایا! مرا از عاریه‌داران قرار مده و از حد تقصیر بیرونم مبر. عرض کردم: معنای «عاریه‌داران را می‌دانم که شخصی دین را به طور عاریه می‌گیرد و سپس از آن خارج می‌شود...» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴: ۲۹۹؛ کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸: ۲۳۳). «معارین» کسانی هستند که ایمان و دین در وجودشان ریشه‌دار و نهادینه نشده، بلکه به صورت موقت و سطحی در آن‌هاست؛ لذا در معرض زوال و خروج از دین‌اند. چنین ایمانی بیشتر شبیه به «ایمان عاریتی» است که ظاهر دارد، ولی باطن

(غلامرضا خوش نیت)

و ثبات ندارد؛ به گونه‌ای که به محض تغییر شرایط، وسوسه‌ها یا فشارهای اجتماعی، از بین می‌رود. در همین راستا، خداوند متعال در آیه ۹۸ سوره انعام می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ». در تفسیر این آیه، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ النَّبِيَّ عَلَى التَّبَوُّةِ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا أَنْبِيَاءَ وَ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا مُؤْمِنِينَ وَأَعَارَ قَوْمًا إِيْمَانًا فَإِنْ شَاءَ تَمَمَهُ لَهُمْ وَإِنْ شَاءَ سَلَبَهُمْ إِيْمَانَهُ قَالَ وَ فِيهِمْ جَرَتْ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۲۷۵). این روایت نشان می‌دهد که برخی مؤمنان از ایمانی اصیل و نهادینه برخوردارند، در حالی که ایمان برخی دیگر، عاریتی و ناپایدار است که امکان زوال آن وجود دارد. در روایتی دیگر، از امام ابوالحسن (علیه السلام) در تفسیر همان آیه شریفه از سوره انعام آمده است: «مَا كَانَ مِنَ الْإِيمَانِ الْمُسْتَقَرِّ فَمُسْتَقَرٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَبَدًا، وَمَا كَانَ مُسْتَوْدَعًا سَلَبَهُ اللَّهُ قَبْلَ الْمَمَاتِ» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۵۱، ح ۲۰۷). بر اساس این روایت، ایمان مستقر تا روز قیامت و بلکه برای همیشه باقی می‌ماند، در حالی که ایمان مستودع پیش از مرگ از فرد سلب می‌شود. سیره تربیتی امامان شیعه که در بستری آکنده از فتنه‌ها و آشوب‌های سیاسی اجتماعی شکل گرفته، بهترین الگو برای واکاوی سازوکارهای نهادینه‌سازی ایمان مستقر به‌شمار می‌آید. ائمه اطهار (علیهم السلام) با بهره‌گیری از روش‌هایی چون تربیت عقلانی و تقویت معرفت دینی، تربیت عاطفی و قلبی، تربیت عملی و الگوسازی، تربیت تدریجی، زمینه‌تثبیت و استقرار ایمان را در جان پیروان خود فراهم ساختند و مانع لغزش آنان در بحران‌ها شدند.

به‌رغم اهمیت حدیث معارین و سیره تربیتی امامان، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر تحلیل‌های فلسفی یا عرفانی از مفاهیم ایمان مستودع و مستقر تمرکز داشته‌اند و کمتر به نسبت این مفاهیم با راهبردهای عملی و تربیتی در سیره اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته‌اند. همچنین، فقدان مطالعات مسئله‌محور (مرعشی، ۱۳۸۰: ۳۲) و تحلیلی در خصوص فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر با محوریت منابع روایی، موجب شکل‌گیری خلأ جدی در حوزه تربیت دینی شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل توصیفی و با بهره‌گیری از منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و کلامی، در پی بررسی و تبیین

فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه است و در این راستا، حدیث معارین را به عنوان یکی از متون کلیدی مورد تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند الگویی راهبردی برای نظام‌های تربیتی دینی معاصر در مواجهه با بحران‌های اعتقادی فراهم آورد و پاسخی علمی کاربردی به مسئله ناپایداری ایمان ارائه دهد؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش چنین است: فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه چگونه صورت می‌گیرد و این فرایند چه نسبتی با مضمون تربیتی حدیث معارین دارد؟

## ۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی تحلیلی است که با رویکرد میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور به بررسی فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه با تأکید بر حدیث معارین می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، بازشناسی و تحلیل نحوه تثبیت ایمان پایدار در دل پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و ارتباط آن با مضمون حدیث معارین است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، جامعه مورد مطالعه شامل منابع متنی معتبر حدیثی، تفسیری و تربیتی در حوزه شیعه است که انتخاب آن‌ها به صورت هدفمند و بر اساس معیار اصالت و اعتبار علمی صورت گرفته است. برای استخراج داده‌ها، روش تحلیل محتوا به کار گرفته شده است که امکان بررسی عمیق متون و استخراج مفاهیم کلیدی را فراهم می‌سازد. تحلیل داده‌ها بر مبنای روش تفسیر نقلی و عقلی انجام شده است. در مرحله نخست، روایت حدیث معارین با تمرکز بر مفاهیم کلیدی و ساختار معنایی آن مورد تحلیل قرار گرفته و سپس با استفاده از متون تربیتی و سیره امامان شیعه، نحوه تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر استخراج و تشریح شده است. همچنین، برای تبیین جامع‌تر، رویکرد مقایسه‌ای میان انواع ایمان و سازوکارهای تربیتی ائمه انجام گرفته است. این رویکرد امکان تمرکز بر داده‌های غنی و قابل اتکا را فراهم ساخته است. برای افزایش اعتبار و روایی داده‌ها، از روش چندمنبعی و تحلیل هم‌زمان متون حدیثی،

تفسیری و تربیتی بهره گرفته شده است تا تعمیق مفهومی و جلوگیری از سوگیری‌های احتمالی تضمین شود.

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین در این حوزه هر یک بخشی از بحث را پوشش داده‌اند، اما به پرسش اصلی این پژوهش پاسخ نداده‌اند. مقاله «ایمان ثابت و ایمان عاریتی»، محسن اصغری (۱۴۰۳) اگرچه از معدود مطالعات علمی پژوهشی است که به‌طور مستقیم به دوگانه ایمان مستقر و ایمان مستودع پرداخته، اما تمرکز آن بیشتر بر تبیین مفهومی و ارائه نمونه‌های تاریخی از این دو نوع ایمان است و فرایند و سازوکار تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در آن بررسی نشده است. از سوی دیگر، پایان‌نامه «تحلیل فرایند ایمان در قرآن» اثر الهام عمویی (۱۴۰۱) نیز با رویکردی فرایندی، مراتب، افزایش و کاهش و موانع ایمان را در قرآن تحلیل و از این جهت چهارچوبی روشی برای فهم تدریجی ایمان عرضه کرده است، اما به‌طور خاص به مقوله ایمان مستقر و مستودع و همچنین حدیث معارین ورود نکرده است. به این ترتیب، خلأ پژوهشی در این میان روشن می‌شود: آنچه تاکنون یا در حد توصیف و نمونه‌سازی باقی مانده یا در سطح روش‌شناسی عام تحلیل فرایندی ایمان مطرح شده است. این پژوهش درصدد است با تکیه بر سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) و با تأکید ویژه بر حدیث معارین، فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر را مرحله‌بندی و تبیین کند.

## ۲. مبانی نظری و مفهومی

### ۲-۱. ایمان

ایمان مصدر باب افعال، از ریشه «ام ن» به معنای ایجاد اطمینان و آرامش در قلب خویش یا دیگری است. از بین رفتن ترس، اضطراب و وحشت از دیگر معانی کاربردی آن است (ابن فارس، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۱). دستیابی انسان به آرامش و اطمینان با اعتقاد به خدا و تصدیق او احتمالاً سبب استفاده از «امن» برای مفهوم ایمان بوده است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۵۰-۱۵۱). مشتقات «امن» حدود ۹۰۰ بار در قرآن به

کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق: ۱۰۳-۱۱۸). در اصطلاح دینی، ایمان تنها به معنای اقرار لفظی یا شناخت علمی نیست، بلکه مجموعه‌ای از باورهای قلبی، اقرار به زبان و عمل صالح است که به صورت هماهنگ در انسان تحقق می‌یابد (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۷۵).

## ۲-۲. مستقر و مستودع

مستقر یعنی قرار گرفتن و ثابت ماندن در جایی، استقرار یافتن، سکون و آرامش پیدا کردن (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۷۸۵). ایمان مستقر ایمانی است که در عمق دل مستحکم شده و در برابر انواع فشارها، آزمون‌ها و فتنه‌ها ایستادگی می‌کند و از لغزش مصون می‌ماند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۳۵). در تفسیر آیه ۲۴ سوره ابراهیم، ایمان مستقر به درختی تشبیه شده که ریشه در زمین دارد و ثمر می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۵۲). از سوی دیگر، مستودع از واژه «وَدَع» به معنای رها کردن یا سپردن چیزی است به صورت امانت و «مستودع» یعنی جایی که چیزی در آن سپرده می‌شود یا خود آن چیز سپرده شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۸۶). ایمان مستودع به ایمانی گفته می‌شود که به صورت موقتی در دل مؤمن وجود دارد و هنوز به مرحله استقرار و تثبیت نرسیده است. این ایمان، همانند امانتی است که به مؤمن سپرده شده، ولی هنوز در جان و دل او جای نگرفته و تحت تأثیر فشارها، شک‌ها و فتنه‌ها، ممکن است از بین برود (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۸۷). این تمایز، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی و فتنه‌انگیز، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و نشان می‌دهد که صرف باور داشتن به اصول دینی کافی نیست؛ بلکه لازم است این باور به ایمان مستقر تبدیل شود تا مؤمن بتواند در مواجهه با مشکلات پایدار بماند.

## ۲-۳. واژه معارین و تحلیل محتوایی آن

واژه «معارین» در زبان عربی به معنای «عاریت گیرندگان» یا «قرض گیرندگان» است. این واژه از ریشه «عار» (به معنای قرض یا به امانت گرفتن) گرفته شده و صورت جمع آن به افرادی اطلاق می‌شود که چیزی را به صورت عاریتی یا موقت در اختیار دارند (طریحی

(غلامرضا خوش نیت)

نجفی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۱۸). در اصطلاح روایی، «المُعَارِ» (بر وزن مفعول) کسی است که ایمان به او به صورت عاریتی داده شده است؛ به عبارت دیگر، ایمانی که در وجود او نهادینه نشده و در دل و جاننش ثبات نیافته است، بلکه همچون امانتی ناپایدار نزد اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۶۱۹).

یکی از شواهد قرآنی و روایی تمایز ایمان مستقر و ایمان مستودع، فرمایش امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه است که می فرماید: «فَمِنَ الْإِيْمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مُسْتَقَرًّا فِي الْقُلُوبِ، وَمِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِيًّا بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ الصُّدُورِ إِلَى أَجَلٍ مَّعْلُومٍ؛ فَإِذَا كَانَتْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ مِنْ أَحَدٍ فَقَفُّوهُ حَتَّى يَخْضُرَهُ الْمَوْتُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْعُ حُدَّ الْبَرَاءَةِ»؛ گونه ای از ایمان است که ثابت و مستقر در دل هاست، و گونه ای دیگر، عاریتی است که میان دل ها و سینه ها تا اجلی معلوم (مرگ) در جریان است (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۹). از این رو، امام توصیه می کنند که در قضاوت درباره ایمان دیگران تا هنگام مرگ شتاب نکنید، چرا که در آن هنگام، ثبات یا زوال ایمان نمایان می شود. در این خطبه، حضرت به روشنی ایمان را به دو نوع تقسیم می کند: ایمانی که در دل ها استقرار یافته و ماندگار است و ایمانی که ناپایدار و عاریتی است. این تقسیم بندی، در دیگر متون حدیثی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

تعبیر زیبای «عَوَارِيًّا بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ الصُّدُورِ»، کنایه از این دارد که چنین ایمانی هنوز در عمق قلب و روح نفوذ نکرده و صرفاً در سطحی ترین لایه های وجود انسان باقی مانده است. این حالت همچون شخصی است که به دیوار خانه ای نزدیک شده، اما هنوز وارد آن نشده است؛ به عبارتی، هنوز در خانه ایمان ساکن نشده و استقراری نیافته است. با توجه به این تبیین ها، حدیث معارین نه تنها ناظر به تحلیل وضعیت روانی و اعتقادی مؤمنان است، بلکه بیانگر چهار چوب تربیتی برای پایداری ایمان در ساحت زندگی دینی نیز به شمار می رود. این حدیث و دیگر روایات مرتبط، به خوبی نشان می دهد که تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر، امری تدریجی، آگاهانه و مبتنی بر خودسازی مستمر است و باید در قالب برنامه های تربیتی هدفمند و معطوف به قلب، عقل و عمل مورد توجه قرار گیرد.

### ۳. تحلیل فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه

مطالعه منابع حدیثی و تاریخی نشان می‌دهد که امامان شیعه (علیهم السلام) در مواجهه با چالش‌های اعتقادی و فتنه‌های سیاسی اجتماعی، با به‌کارگیری روش‌های تربیتی دقیق و هدفمند تلاش کرده‌اند تا ایمان مستقر را در پیروان خود نهادینه کنند. این فرایند شامل چند مرحله و عنصر کلیدی است.

#### ۳-۱. تربیت عقلانی و تقویت معرفت دینی

از منظر متون اسلامی و تفاسیر معتبر، عقل ابزار اصلی شناخت حقیقت و معیار سنجش ادعاهای دینی است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «العقل ما عُبدَ بهِ الرِّحْمَنُ وَاكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ، وَمَا قُسِمَ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ؛ عقل چیزی است که خداوند با آن پرستیده می‌شود و بهشت با آن به دست می‌آید؛ و هیچ چیز برتر از عقل میان مردم تقسیم نشده است» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۱). عقل به‌عنوان چراغ راه، انسان را از موانع و خطرات دور می‌کند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الْعَمَلُ لِلنَّجَاةِ؛ کوشش برای رستگاری، ثمره عقل است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۰۹). در مجموع، می‌توان گفت عقلانیت در نگاه اسلامی، نه تنها مخالف ایمان نیست، بلکه مقدمه تحقق ایمان عمیق و مستقر است. بدون تربیت عقل، ایمان در معرض زوال، شک و آسیب است؛ اما با تعمیق فهم و استدلال، ایمان به مرحله‌ای از پایداری و بصیرت می‌رسد که در برابر فتنه‌ها، پایدار و استوار باقی می‌ماند. بررسی سیره امامان شیعه نشان می‌دهد که آنان از راهبردهای متنوعی برای تقویت عقلانیت دینی بهره می‌بردند که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها بررسی شده است.

#### ۳-۱-۱. آموزش پرسشگرانه و مباحثه‌ای

از منظر قرآنی، بهره‌گیری از پرسش و گفت‌وگو به‌عنوان یکی از روش‌های کلیدی در تربیت پیامبران الهی مورد تأکید قرار گرفته است. ایمان اگر سطحی و تقلیدی باشد (ایمان

(غلامرضا خوش نیت)

عاریتی)، در معرض زوال قرار می‌گیرد، اما وقتی پرسش و گفت‌وگو وارد میدان می‌شود، ذهن انسان درگیر تفکر انتقادی و عقلانی می‌شود؛ همین امر سبب نهادینه شدن ایمان (ایمان مستقر) می‌شود. قرآن با طرح پرسش‌هایی مانند: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹)، «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴)، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء، ۸۲) به انسان می‌آموزد که ایمان باید بر پایه‌ی اندیشه و تدبر بنا شود، نه صرف تقلید. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ؛ نابودی و انحراف مردم به خاطر این است که نمی‌پرسند» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۰). روش پرسشگرانه در قرآن و روایات یک ابزار تربیتی است که ذهن را از تقلید می‌رهاند. وقتی عقل با پرسش و گفت‌وگو فعال شود، ایمان از حالت عاریتی و موقت خارج و به ایمان مستقر و پایدار تبدیل می‌شود؛ بنابراین، آموزش مباحثه‌ای و پرسشگرانه نه صرفاً برای یادگیری اطلاعات، بلکه برای ریشه‌دار کردن ایمان طراحی شده است.

### ۳-۱-۲. تأکید بر شناخت علت‌ها و مبانی دین

یکی از ویژگی‌های برجسته در تربیت عقلانی سیره اهل بیت (علیهم السلام)، تأکید بر تبیین علل و حکمت‌های احکام و باورهای دینی است. امامان معصوم (علیهم السلام) در مسیر آموزش دین، تنها به ظاهر احکام و گزاره‌ها بسنده نمی‌کردند، بلکه تلاش می‌کردند معنا، غایت و فلسفه تشریح هر حکم یا باور را نیز روشن سازند. این رویکرد، موجب گذار مخاطبان از سطح تقلید صرف، به لایه‌های عمیق‌تر معرفت و ایمان آگاهانه می‌شد. در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، علم و معرفت، نه تنها ابزار هدایت، بلکه سرمایه اصلی انسان عاقل به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که آمده است: «غَنَى الْعَاقِلِ بَعْلَمِهِ؛ توانگری عاقل به معرفت و دانش اوست» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۳۷۶). این نگرش عقل‌گرایانه در کلام امام رضا (علیه السلام) به روشنی بیان شده است. آن حضرت در پاسخ به فضل بن شاذان درباره چرایی تکالیف الهی و فلسفه تشریح، چنین فرمودند: «إِنْ سَأَلَ سَائِلٌ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُكَلِّفَ الْحَكِيمُ عَبْدَهُ فِعْلاً مِنَ الْأَفَاعِيلِ لِغَيْرِ عِلَّةٍ وَلَا مَعْنَى؟ قِيلَ لَهُ: لَا يَجُوزُ ذَلِكَ؛ لِأَنَّهُ حَكِيمٌ غَيْرُ عَابِثٍ وَلَا جَاهِلٍ؛ ... فَإِنَّ الْعِلْلَ مَعْرُوفَةٌ وَمَوْجُودَةٌ عِنْدَ أَهْلِهَا... مِنْهَا مَا نَعْرِفُهُ وَمِنْهَا مَا لَا نَعْرِفُهُ» (ابن بابویه،

۱۳۹۰ ق، ج ۱: ۲۵۱). در این حدیث، حضرت رضا (علیه السلام) به صراحت تأکید می‌کنند که خداوند حکیم، هیچ فعلی را بدون حکمت و علت از بندگانش نمی‌خواهد؛ و اگر چه همه علل برای همگان آشکار نیست، اما اصل وجود آن‌ها قطعی و برای اهلش قابل شناخت است؛ این نوع نگاه، در واقع عقلانیتی ساختاری در دین را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که دین نه مجموعه‌ای از احکام بی‌منطق و تعبد صرف، بلکه دستگاهی نظام‌مند مبتنی بر حکمت، غایت‌مندی و تبیین‌پذیری است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در تبیین همین حقیقت می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفْقَهُ، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَكَّرُ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبَّرُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۰۴). بر اساس این بیان نورانی، عبادت بدون فهم، علم بدون تفکر و قرائت قرآن بدون تدبر، فاقد ارزش و اثرگذاری واقعی است. این حدیث، گواه روشنی است بر اینکه در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، عمل‌گرایی بدون معرفت و ظاهرگرایی بدون تفقه، مسیر کامل بندگی نیست. از این منظر، تربیت دینی مطلوب در نگاه معصومان (علیهم السلام)، بر پایه تعقل، تفقه و جست‌وجوی معنا شکل می‌گیرد و مخاطب را از سطح پیروی تقلیدی به مرتبه‌ای از بصیرت، تشخیص و پایداری در دینداری سوق می‌دهد.

### ۳-۱-۳. رفع شبهات و پاسخ به نقدها

قرآن به صراحت، مؤمنان را به گفت‌وگوی احسن با مخالفان فرا می‌خواند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای نیکو مجادله کن.» (نحل، ۱۲۵) از جلوه‌های مهم تربیت عقلانی در سیره امامان به خصوص امام صادق و امام باقر (علیهم السلام)، پاسخ‌گویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و شبهات دینی است. امام باقر (علیه السلام) در دوره‌ای پرتنش و متکثر فکری می‌زیست که در آن شبهات اعتقادی متعددی مانند مسائل توحید، جبر و اختیار، تفویض، امامت و تفسیر قرآن مطرح بود. ایشان با رویکردی عقل‌گرایانه، شک و تردید را زمینه‌ای برای تعمیق ایمان و رشد معرفت دینی می‌دانست. ایشان با بهره‌گیری از روش علمی، استدلال عقلانی و اخلاق الهی به این شبهات پاسخ می‌دادند.

(غلامرضا خوش نیت)

این پاسخ‌ها نه تنها موجب روشن شدن ذهن مخاطبان می‌شد، بلکه ایمان آن‌ها را از حالت سطحی و عاریتی خارج و به ایمان مستقر و پایدار تبدیل می‌کرد. در زمان امام باقر (علیه السلام)، مردی از خوارج نزد ایشان آمد و پرسید: «چه چیزی را می‌پرستی؟» امام پاسخ داد: «خداوند متعال را می‌پرستم.» مرد پرسید: «آیا او را دیده‌ای؟» امام فرمود: «چشم‌ها او را به مشاهده حسی ندیده‌اند، اما قلب‌ها به حقیقت ایمان خدا را یافته‌اند. خداوند با حواس قابل درک نیست و هیچ شباهتی با آدمیان ندارد، بلکه از طریق نشانه‌ها و آیاتش شناخته می‌شود و در داوری هرگز ستم نمی‌کند.» پس از این پاسخ مستدل و عقلانی، مرد قانع شد و ایمانش تقویت گردید و گفت: «خداوند بهتر دانسته است که رسالتش را در کدام خاندان قرار دهد.» این داستان نمونه‌ای روشن از نقش پاسخ به شبهات در تثبیت ایمان مستقر و جلوگیری از گمراهی در برابر ابهامات اعتقادی است (طبرسی، ۱۴۱۴ ق: ۳۲۱).

در مجموع مباحث گذشته تربیت عقلانی، به‌عنوان زیرساخت اصلی تقویت ایمان مستقر، نقش بسزایی در تثبیت و پایداری باورهای دینی دارد. وقتی ایمان بر پایه عقل و معرفت استوار باشد، دیگر صرفاً یک احساس گذرا یا تقلید ظاهری نیست، بلکه یک باور مستدل و ریشه‌دار در جان مؤمن محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۰). از نظر روان‌شناسی دینی، تقویت باورهای عقلانی موجب افزایش اعتماد به نفس دینی و کاهش اضطراب ناشی از شک و تردید می‌شود. این امر در نهایت منجر به شکل‌گیری هویت دینی مستحکم و پایدار در فرد می‌گردد که دارای انسجام فکری و عملی است. از منظر جامعه‌شناسی دین، رشد تربیت عقلانی در سطح فردی، به پایداری و ثبات جوامع دینی کمک می‌کند. جامعه‌ای که افرادش ایمان مستقر و مبتنی بر عقل و معرفت دارند، کمتر دچار نوسانات اعتقادی و بحران‌های معنوی می‌شود و توان بیشتری برای مقابله با تحریف‌ها و تهاجمات فرهنگی دارد (جعفری، ۱۳۹۵: ۵۰).

### ۳-۲. تربیت عاطفی و قلبی

یکی دیگر از ارکان بنیادین در فرایند نهادینه‌سازی ایمان مستقر، تربیت عاطفی و تثبیت باورهای قلبی است. آموزه‌های دینی به‌ویژه در سیره تربیتی امامان شیعه تأکید فراوانی

بر نقش عواطف، محبت و پیوند قلبی در استقرار ایمان دارند. این بعد از ایمان، مکمل عقلانیت است و بدون آن، ایمان ممکن است به سطحی ترین حالت باقی بماند یا در مواجهه با فتنه‌ها دچار لغزش شود. تربیت صرفاً تعقلی، بدون پیوند عاطفی با منبع ایمان، نمی‌تواند موجب درونی‌سازی ایمان شود. از این‌رو، سیره اهل بیت (علیهم السلام) همواره بر ایجاد محبت، انس، و وابستگی قلبی به حقیقت دین تأکید داشته است. تربیت عاطفی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری ایمان مستقر در سیره اهل بیت (علیهم السلام) است. در این رویکرد، ارتباط محبت‌آمیز، معنویت قلبی و الگوهای رفتاری مهرورزانه، نقش محوری در تعمیق باورها و پایداری در بحران‌ها ایفا می‌کنند. بررسی سیره امامان نشان می‌دهد که آنان با بهره‌گیری از سازوکارهای عاطفی، ایمان را از سطح ذهن به عمق جان مخاطب می‌بردند که به چند نمونه ویژه آن اشاره می‌شود.

### ۳-۲-۱. ایجاد رابطه محبت‌آمیز و صمیمانه

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سیره تربیتی امامان شیعه (علیهم السلام)، تربیت مبتنی بر محبت و همدلی عاطفی است. آنان نه تنها آموزگاران علم و معرفت، بلکه مریبان دل‌ها بودند؛ دل‌هایی که با مهر و شفقت، جذب، آرام و استوار می‌شدند. قرآن کریم در تحلیل راز موفقیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در جذب قلوب، بر همین عنصر محبت تأکید دارد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (به سبب رحمت الهی، نرم‌خو و مهربان شدی؛ و اگر خشن و سخت‌دل بودی، از گردت پراکنده می‌شدند) (آل عمران، ۱۵۹).

محبت به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز چنین تبیین شده است: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ مِنْ نِعْمِهِ، وَأَحِبُّوا نَبِيَّ اللَّهِ، وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي؛ خدا را به سبب نعمت‌هایش دوست‌دارید، و مرا به خاطر محبت به خدا و اهل بیت مرا به خاطر محبت به من دوست‌دارید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۶۴). این محبت، پیوندی درونی، عاطفی و ماندگار میان امام و مؤمن ایجاد می‌کرد که به‌ویژه در مواجهه با بحران‌ها، به نیرویی برای استقامت و پایداری ایمانی بدل می‌شد.

(غلامرضا خوش نیت)

سیره عملی امام علی (علیه السلام) نیز نمونه‌ای کامل از تربیت محبت‌محور است. ایشان در روابط با یاران، نه تنها مقتدر و عادل، بلکه رفیق و دلسوز بود. رابطه او با مالک اشتر، کمیل بن زیاد و دیگر یاران، فراتر از یک رابطه سیاسی یا دینی صرف بود. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «علی (علیه السلام) پیروان خود را نه به جبر سیاسی، بلکه به محبت و حق‌طلبی جذب می‌کرد.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۴۳). این نوع تعامل، موجب می‌شد که علم و ایمان، نه در سطح ذهن، بلکه در عمق قلب و رفتار ماندگار شود. در این بستر محبت‌آمیز، تربیت دینی نه بر اساس ترس یا اجبار، بلکه بر اساس جذبه روحی، اعتماد عاطفی و اطمینان درونی شکل می‌گرفت.

در حدیثی عمیق از امام باقر (علیه السلام)، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کنند که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «لَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَيَّ أَعْمَالِهِمْ... وَ لَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَ فَضْلِي فَلْيَزُجُوا...» آنان که برای ثواب من عمل می‌کنند، نباید بر اعمال خود تکیه کنند... بلکه باید تنها به رحمتم اعتماد کنند، به فضلم امیدوار باشند...» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۲۹۵). این روایت، بنیان تربیت دینی را بر دو محور امید به رحمت الهی و اعتماد به محبت ربوبی استوار می‌سازد؛ همان چیزی که امامان (علیهم السلام) در رفتارهای خود متجلی می‌ساختند.

### ۳-۲-۲. آموزش معنویت همراه با عشق و اخلاص

در سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)، معنویت هرگز به صورت خشک، عقلانی صرف و بی‌روح عرضه نشده است، بلکه عنصر عشق به خداوند، اخلاص در عبادت، گریه در خلوت و شور عاطفی نسبت به معبود، از ارکان اصلی در تربیت دینی آنان بوده است. این رویکرد، زمینه‌ساز تقویت و استقرار ایمان درونی و پایداری معنوی در برابر سختی‌ها و وسوسه‌ها بود. قرآن کریم، در توصیف مؤمنان حقیقی، این حالت معنوی را چنین بیان می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ مؤمنان تنها کسانی‌اند که وقتی نام خدا برده می‌شود، دل‌هایشان می‌لرزد» (انفال، ۲). این خشیت قلبی، ریشه در تجربه عاشقانه و شهودی از خدا دارد؛ تجربه‌ای که در مناجات‌ها و دعا‌های امامان معصوم (علیهم السلام) به

روشنی متجلی است. برای نمونه در فرازی از دعای عرفه آمده است که: «كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ؟ وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ؟ عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ وَلَا تَرَأَى عَلَيْهَا رَقِيباً». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۰۲۰) در این مناجات، امام با زبانی عارفانه و سراسر محبت و خشوع، به نفی هرگونه جدایی و غیبت خداوند می‌پردازد و ایمان را نه یک گزاره عقلانی، بلکه حضوری پیوسته و درونی در جان مؤمن می‌داند. این نگاه عاشقانه، ایمان را از سطحی‌نگری و تقلید، به شوقی سوزان، درونی و پایدار تبدیل می‌سازد.

از جمله درخشان‌ترین صحنه‌های تجلی این آموزه معنوی، رفتار عاطفی امام حسین (علیه السلام) با یاران خود در کربلا است. در شب عاشورا، حضرت با نگاهی مشفقانه و لبریز از محبت به اصحاب خویش فرمودند: «إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴: ۳۹۲). این محبت صادقانه، دل‌های یاران را به نقطه اوج ایمان رساند و زمینه‌ساز فداکاری‌هایی جان‌سوز شد در چنین الگوی تربیتی، عشق به امام و ارتباط عاطفی عمیق با پیشوای الهی، به عامل درونی‌سازی باورها و استقرار ایمان تبدیل می‌شود؛ ایمانی که در سخت‌ترین شرایط، از تزلزل مصون مانده و به بالاترین مرتبه ایمان مستقر نایل می‌گردد.

### ۳-۲-۳. نقش الگوهای عاطفی و رفتاری

رفتار محبت‌آمیز، عطف و شفقت ائمه (علیهم السلام) در زندگی روزمره، خود نقش الگوی زنده برای تثبیت باورهای قلبی و انگیزه‌بخشی به پیروان داشت. آنان با اعمال خویش، ایمان زنده را به نمایش می‌گذاشتند. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر، دستور می‌دهد: «أَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ؛ قلب خود را لبریز از رحمت، محبت و لطف نسبت به مردم کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). چنین سبک رفتاری، نه تنها مخاطب را تحت تأثیر عاطفی قرار می‌داد، بلکه موجب تعمیق پایدار باورهای دینی می‌شد؛ زیرا رفتار نیک، مؤید صداقت ایمان است. تجربه‌های عینی تربیت عاطفی در

(غلامرضا خوش نیت)

سیره امامان شیعه، نشان می‌دهد که محبت، مهربانی و ارتباط صمیمی، نه ابزار ثانوی بلکه اصل بنیادین در نهادینه‌سازی ایمان مستقر هستند. پیوندی که از راه قلب ایجاد می‌شود، استوارتر از هر استدلالی است و سیره اهل بیت (علیهم السلام) گواه آن است که امامان، نه تنها آموزگاران عقل، بلکه معلمان عشق و ایمان نیز بوده‌اند.

در نهایت، تربیت عاطفی و قلبی نقش اساسی در تثبیت ایمان مستقر دارد، زیرا باورهای صرفاً عقلانی اگر با احساس و عاطفه همراه نباشند، ممکن است در مواجهه با فشارها و مشکلات به سادگی از بین بروند (مطهری، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۳). بعد عاطفی ایمان به فرد قدرت می‌دهد که در سختی‌ها، تردیدها و فتنه‌ها مقاومت کند و ایمان خود را حفظ نماید. روان‌شناسی دینی نشان داده است که پیوند عاطفی عمیق با موضوع ایمان، موجب ایجاد انگیزه‌های پایدار برای عمل به آموزه‌های دینی و تثبیت باورها می‌شود. این پیوند، عاملی برای کاهش اضطراب و شک در مواجهه با نامایمات و همچنین افزایش اعتماد به نفس دینی است. در جامعه نیز وجود پیوندهای عاطفی قوی میان اعضا و مرجعیت دینی، انسجام و ثبات گروهی را افزایش می‌دهد و از گسترش شبهات و انحرافات جلوگیری می‌کند.

### ۳-۳. تربیت عملی و الگوسازی

الگوسازی عملی، یکی از ارکان اساسی تربیت دینی و به‌ویژه نهادینه‌سازی ایمان مستقر به‌شمار می‌رود. امامان شیعه با ارائه نمونه‌های عینی و رفتارهای قابل مشاهده، ایمان را نه تنها در سطح نظری، بلکه به‌صورت کاربردی، زیسته و ملموس در زندگی پیروان خود نهادینه کردند. این الگوهای رفتاری، پیوندی ژرف میان باور و کنش پدید می‌آورد و زمینه را برای تثبیت و استقرار پایدار ایمان فراهم می‌سازد. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است: «جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شَيْعَتَكَ تَقُولُ إِنَّ الْإِيمَانَ مُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ، فَعَلَّمَنِي شَيْئاً إِذَا أَنَا قُلْتُهُ اسْتَكْمَلْتُ الْإِيمَانَ قَالَ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٌ: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَ بِعَلِيِّ وَ لِيبَا وَ إِمامًا وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيْتُ بِهِمْ أُمَّةً فَارْضِنِي لَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ؛ خداوند! من راضی شدم به تو به عنوان پروردگار و به محمد به عنوان پیامبر و به اسلام به عنوان دین، و به قرآن به عنوان کتاب و به کعبه به عنوان قبله و به علی به عنوان ولی و امام و به حسن و حسین و امامان (درود خدا بر آنان) [به عنوان پیشوایان دین]. خدایا! من به ایشان به عنوان امامان راضی شدم، پس تو نیز مرا مورد رضایت آنان قرار ده که تو بر هر چیزی توانایی» (شیخ طوسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۱۰۹). این روایت، همزمان به ابعاد اعتقادی (رضایت قلبی)، گفتاری (ذکر زبانی) و رفتاری (تکرار در پایان هر نماز واجب) اشاره دارد و می‌توان آن را نمونه‌ای از تربیت تلفیقی دانست که در آن، ایمان در قالب عمل تکرار شونده و الگوی رفتاری، نهادینه می‌گردد. روش‌های تربیت عملی و الگوسازی امامان (علیهم السلام) به شرح ذیل قابل تبیین است.

### ۳-۳-۱. رفتار عینی و زندگی مطابق با ایمان

امامان معصوم (علیهم السلام) با زیست ساده، اخلاقی و سرشار از ارزش‌های الهی، نمونه‌ای عینی و زنده از ایمان مستقر را به نمایش گذاشتند. یکی از تجلیات اوج ایمان مستقر، در رفتار امام صادق (علیه السلام) دیده می‌شود؛ آن‌گاه که فرمود: «لَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ اِئْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ، لَأَدَّبْتُهُ إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۱۳۳). این رفتار، نه صرفاً اعتقاد به عدالت و امانتداری، بلکه التزام عملی به آن را در برابر دشمن نشان می‌دهد. در همین زمینه، روایت روشنی از امام صادق (علیه السلام) در عوالم العلوم نقل شده است که ملاک رستگاری را در پایبندی عملی به گفتار دینی معرفی می‌کند: «إِنَّ الْحَسْرَةَ وَالنَّدَامَةَ وَالْوَيْلَ كُلَّهُ لِمَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِمَا أَبْصَرَهُ، وَلَمْ يَدْرِ مَا الْأَمْرُ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ مُقِيمٌ، أَنْفَعَ لَهُ أَمْ ضَرَّ؟ قُلْتُ لَهُ: فِيمَ يُعْرِفُ النَّاجِي مِنْ هَؤُلَاءِ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: مَنْ كَانَ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا، فَأُثِّبَتْ لَهُ الشَّهَادَةُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مُسْتَوْدَعٌ.» (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۷: ۲۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۲۰). مضمون این روایت، آن است که حسرت و ندامت در قیامت، نصیب کسانی خواهد شد که از روشنی‌های موجود بهره نگرفته‌اند و نتوانسته‌اند جایگاه خود را در مسیر هدایت ارزیابی کنند. ملاک نهایی برای رستگاری از دیدگاه امام، مطابقت عمل با گفتار است؛

اینجاست که ایمان مستقر تحقق می‌یابد و از صورت عاریتی خارج می‌شود.

### ۳-۲-۳. تبیین عملی آموزه‌ها در شرایط واقعی

امامان شیعه تنها به آموزش نظری اکتفا نکردند، بلکه با کنش‌های اخلاقی در موقعیت‌های دشوار آموزه‌های دینی را به منصه ظهور رساندند. آنان نشان دادند که چگونه می‌توان در سخت‌ترین شرایط، ایمان را حفظ و استوار نگه‌داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز بر اهمیت الگوسازی عملی در تربیت دینی تأکید کرده و فرموده‌اند: «إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ مَنْ مَبْعُوثٌ شَدِهَامٍ تَأْخُلِقُ نِيكَورًا كَامِلًا كُنْم» (ترمذی، ۱۴۰۶ ق، باب ۶۲: حدیث ۲۰۱۷؛ مالک بن انس، ۱۴۱۵ ق: حدیث ۸). نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در برخورد امام حسن مجتبی (علیه السلام) با فردی از شام مشاهده کرد که پس از ورود به مدینه، به امام دشنام داد. امام با کمال خونسردی و متانت، پاسخی سرشار از اخلاق و بزرگ‌منشی به او دادند و فرمودند: «أَيُّهَا الشَّيْخُ أَطُّوكَ غَرِيْبًا، وَ لَعَلَّكَ شَبَّهْتَ، فَلَوْ اسْتَعْتَبْتَنَا أَغْتَبْنَاكَ، وَ لَوْ سَأَلْتَنَا أُعْطَيْنَاكَ، وَ لَوْ اسْتَرْشَدْتَنَا أُرْشَدْنَاكَ، وَ لَوْ اسْتَحْمَلْتَنَا أَحْمَلْنَاكَ، وَ إِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَشْبَعْنَاكَ، وَ إِنْ كُنْتَ غَرِيْبًا كَسَوْنَاكَ...» این برخورد کریمانه، آن مرد را به شدت تحت تأثیر قرار داد تا جایی که اظهار داشت: «اللَّهِ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خَدَاوَنَدُ بَهْتَرُ مِي دَانَدُ رِسَالَتُ خُودُ رَا دَرِ خَانْدَانُ چِه كَسِي قَرَار دَهْد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۹)

از منظر امامان، ایمان تنها در لایه‌های ذهنی و زبانی خلاصه نمی‌شود، بلکه باید در میدان عمل نیز ریشه‌دار باشد. از این رو، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است: «الَّذِي يُثْبِتُهُ فِيهِ الْوَرَعُ، وَالَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ الطَّمَعُ؛ وَرَعٌ وَتَقْوَا إِيْمَانُ رَا دَرِ اِنْسَانُ تَثْبِيْتُ مِي كُنْدُ، وَ طَمَعُ اَن رَا اَز دَل بِيْرُون مِي رَا نْد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱: حدیث ۱۳۵۹). این سخن گواه آن است که تحقق ایمان مستقر، نیازمند تقوای عملی و دوری از دنیاطلبی و هواپرستی است؛ بنابراین، سیره امامان شیعه، نه تنها در سطح نظری بلکه در رفتارهای عینی و مصادیق روزمره، به مثابه الگوی عملی تحقق ایمان راسخ، آموزنده و راهگشاست.

### ۳-۳-۳. الگوی مقاومت و پایداری در برابر فشارها

قرآن کریم با معرفی مؤمنان مقاوم و متعهد در آیه ۵۴ سوره مائده، ویژگی‌های آنان را این‌گونه بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و خداوند وسیع و داناست.» طبرسی در مجمع‌البیان، با استناد به احادیثی از عمار، حذیفه و ابن عباس، مصداق این قوم را حضرت علی (علیه السلام) و اصحاب ایشان می‌داند. این نظر، با سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در واقعه خیبر نیز هم‌خوانی دارد؛ هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسی را مأمور فتح خیبر کردند، فرمودند: «فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول او را دوست دارند. او کسی است که همواره به سوی دشمن حمله می‌کند و در هیچ شرایطی از میدان فرار نمی‌کند. از میدان نبرد باز نخواهد گشت تا خداوند قلعه‌های خیبر را به دست او فتح کند». در نهایت، پرچم فتح خیبر به دست حضرت علی (علیه السلام) سپرده شد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۹۴). امام صادق (علیه السلام) نیز در تبیین مقام و قدرت ایمان می‌فرمایند: «مؤمن عزیز است و دلیل نخواهد بود؛ مؤمن از کوه محکم‌تر و پرصلابت‌تر است؛ زیرا کوه را ممکن است با کلنگ سوراخ کنند، ولی هرگز چیزی از دین مؤمن کنده نمی‌شود» (طوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۶: ۱۷۹). به این ترتیب، الگوی مقاومت و پایداری امامان، تلفیقی از عمل، صبر، اخلاق و ایمان مستقر است که هم برای پیروان نمونه و الگوست و هم نقش مستقیم در تثبیت باورهای دینی و پایداری ایمان ایفا می‌کند.

در نتیجه الگوسازی عملی، نقش محوری و بنیادین در تثبیت ایمان مستقر دارد؛ زیرا ایمان بدون عمل، قابلیت زوال و سستی بالایی دارد. در حقیقت، عمل به آموزه‌های دینی، ضامن ماندگاری و پایداری باورهای دینی است. این پیوند میان باور و عمل، فرد را به سمت

تحقق عملی ایمان هدایت می‌کند و باعث می‌شود ایمان از حالت ذهنی و نظری فراتر رفته و به یک باور درونی، عملی و جاری در زندگی تبدیل شود از دیدگاه روان‌شناسی دین، مشاهده الگوهای عملی و رفتاری، به ویژه از بزرگان دین، موجب ایجاد انگیزه و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در مؤمنان می‌شود. این الگوها به فرد می‌آموزند چگونه در شرایط مختلف، ایمان خود را حفظ و تقویت کند و باعث ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس دینی می‌گردند همچنین، الگوسازی عملی در سطح اجتماعی باعث ایجاد هم‌افزایی و انسجام میان پیروان دین می‌شود. این الگوها به عنوان نشانه‌های زنده و عملی از ایمان مستقر، جامعه را در برابر انحراف‌ها و تهاجمات فرهنگی مقاوم می‌کنند.

### ۳-۴. تربیت تدریجی

یکی از اصول بنیادین در سیره تربیتی امامان شیعه، توجه دقیق به تربیت تدریجی است که به صورت نظام‌مند و هدفمند، ایمان را به مرحله استقرار می‌رساند. تربیت دینی در این دیدگاه، نه یک فرایند ناگهانی بلکه روندی مستمر و مرحله‌ای است که با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و شرایط فردی و اجتماعی مخاطبان پیش می‌رود. تربیت تدریجی یکی از اصول بنیادین در سیره تربیتی امامان شیعه است که موجب استقرار و پایداری ایمان می‌شود. ایمان به صورت ناگهانی شکل نمی‌گیرد، بلکه محصول یک فرایند تدریجی و مستمر است که با افزایش معرفت و تجربه در طول زمان تقویت می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمودند: «الدِّينُ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ؛ دین آسان است؛ و هرکس دین را بر خود سخت بگیرد، سرانجام مغلوبش می‌کند؛ یعنی خسته و درمانده می‌شود» (بخاری، ۱۴۲۲ق، باب ۲۹: حدیث ۳۳۵۹). مبنای دین اسلام در همه امور، بر آسان‌گیری و آسانی است؛ و این آسان‌گیری با وجود درماندگی و ناتوانی و نیازمندی تأکید بیشتری دارد؛ چراکه سخت‌گیری و زیاده‌روی در اعمال دینی و ترک نرمش و میانه‌روی، فرجامی جز درماندگی و ناتوانی و ترک همه یا بخشی از عمل ندارد. روش‌های تربیت تدریجی در سیره امامان از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردارند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

## ۳-۴-۱. استفاده از زبان متناسب و بیان قصه و مثال

برای جلب توجه مخاطبان و تثبیت آموزه‌های دینی، امامان معصوم (علیهم السلام) از روش‌های متنوعی مانند بیان داستان‌ها، روایت‌ها و مثال‌های ملموس بهره می‌گرفتند که با روحیات و فرهنگ مردم زمان خود هم‌خوانی داشت. این شیوه، علاوه بر جذابیت، فهم و تأثیرپذیری آموزه‌ها را افزایش می‌داد. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسشی درباره قضا و قدر، داستان حضرت یوسف و برادرانش را به‌عنوان نمونه‌ای روشن مطرح کردند و در آن نقش اراده الهی، آزمایش الهی و توکل به خدا را تحلیل کردند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، باب ۵۸: حدیث ۵). ایشان همچنین درباره مفهوم تقوا فرمودند: «التَّقْوَى هُوَ أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ، وَلَا يَرَكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ تقوا آن است که خداوند تو را در جایی که فرمان داده، حاضر بیاورد و در جایی که نهی کرده، نبیند» (رفاعی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱: ۲۰۷). از سوی دیگر، در روایتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) درباره تقوا پرسیدند. ایشان فرمودند: «هُوَ أَنْ لَوْ وُضِعَ عَمَلُكَ عَلَى طَبَقٍ وَلَمْ يُجْعَلْ عَلَيْهِ غَطَاءٌ، وَطَافَ بِهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا لَمَا كَانَ فِيهِ شَيْءٌ تَسْتَحْيِي مِنْهُ؛ تقوا این است که اگر عمل تو را در ظرفی بدون پوشش بگذارند و آن ظرف را در میان مردم جهان بگردانند، هیچ چیزی در عمل تو نباشد که از آن خجالت بکشی یا شرم‌منده شوی» (حسینی عاملی جزینی، ۱۳۹۸ ق: ۴۳۴).

## ۳-۴-۲. آموزش پایه‌ای و تدریجی

امامان ابتدا مفاهیم پایه‌ای اعتقادی را به صورت ساده و قابل درک ارائه می‌کردند و سپس به تدریج به موضوعات عمیق‌تر و پیچیده‌تر می‌پرداختند (صدر، ۱۳۷۱: ۸۸). در نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرماندار مصر می‌فرمایند که در رفتار با مردم و اجرای عدالت، باید گام به گام و با رعایت ظرفیت مردم عمل کند. امام توصیه می‌کند که ابتدا باید امور ساده و ابتدایی را آموزش داد و به تدریج، قواعد پیچیده‌تر را مطرح کرد تا مردم بتوانند آن‌ها را بپذیرند و درک کنند.

### ۳-۴-۳. درک تفاوت های فردی و توجه به اقتضائات مکانی و زمانی

شناخت دقیق ویژگی های فردی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان از مهم ترین شاخص های موفقیت در تربیت دینی است. امامان شیعه با درک تفاوت های سطح علمی، فکری، عاطفی و اجتماعی پیروان، شیوه های متناسب با هر گروه را به کار می بردند این مخاطب شناسی موجب می شد که پیام ها به زبان قابل فهم و با روش های جذاب ارائه شود و فرایند یادگیری و تثبیت ایمان بهینه شود. شناخت ویژگی ها و شرایط مخاطب از عوامل موفقیت تربیت دینی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَسَكِّنُوا وَلَا تُتَفِّرُوا» (قضاعی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۰۸). این حدیث به اهمیت سازگاری پیام با شرایط و نیازهای مختلف مخاطبان اشاره دارد تا آموزش موثر و پذیرفته شود. در روایات متعدد از سیره اهل بیت (علیهم السلام) دیده می شود که پاسخ امامان به یک سوال، بسته به سطح علمی، فکری و زبانی مخاطب متفاوت بود. برای مثال، هنگامی که فردی عامی درباره معنای توحید از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد، پاسخ خود را در قالب مثال هایی ساده دریافت کرد، اما هنگامی که همین پرسش توسط یک متکلم یا شاگرد باسواد مطرح می شد، پاسخ عمیق تری با استفاده از مبانی کلامی و استدلالی ارائه می شد. این تفاوت، برخاسته از مخاطب شناسی دقیق و تربیت هدفمند امام بود، نه نشانه تناقض یا دوگانگی در پاسخ ها (صدر، ۱۳۷۱: ۹۰). این شیوه نشان می دهد که در نظام تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)، سطح ادراک و زمینه ذهنی مخاطب در تعیین محتوای پیام دینی نقش اساسی داشته است.

در نهایت، یکی از ارکان اساسی در سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)، توجه به آمادگی روانی، ظرفیت روحی و میزان ایمان درونی مخاطبان است. این رویکرد، مصداقی روشن از احترام عملی به اختیار انسان و پرهیز از تحمیل عقیده تلقی می شود. در این روش، تربیت دینی نه از مسیر اجبار، بلکه از طریق اقناع، تدرج و همراه سازی آگاهانه تحقق می یابد؛ به گونه ای که مخاطب در فرایند هدایت، به ایمان مستقر و پایدار دست یابد. در منابع نهج البلاغه نیز به روشنی به این حقیقت اشاره شده که موفقیت در تربیت دینی، در گرو شناخت ظرفیت درونی مخاطب و تطبیق آموزش ها با آمادگی قلبی اوست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«فَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بر اساس این بیان، دل نوجوان و تازه‌وارد به حوزه دین همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ بنابراین، تربیت دینی مؤثر، نیازمند تطبیق محتوا با آمادگی روانی مخاطب است. از دیدگاه معصومان (علیهم السلام)، ایمان اصیل بر اثر فرایند تدریجی و مرحله‌مند تربیت شکل می‌گیرد. این فرایند، فرد را از مراتب ابتدایی ایمان تقلیدی یا موقت (ایمان مستودع) به مرحله ایمان مستقر، آگاهانه و ریشه‌دار می‌رساند. هر مرحله از این رشد، بر پایه مرحله قبلی استوار است و این روند تدریجی، مانع از لغزش در فتنه‌ها و انحرافات خواهد شد. اهل بیت (علیهم السلام) با آگاهی از این اصل، برنامه‌های تربیتی خود را به‌شکلی نظام‌مند، مرحله‌ای و مطابق با ظرفیت‌های فردی مخاطب طراحی می‌کردند تا ایمان، به‌گونه‌ای طبیعی و پایدار در جان افراد نهادینه شود. در این راستا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اهمیت تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) برای دستیابی به ایمان پایدار، در خطاب به کمیل می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ! إِنَّمَا تَسْتَحِقُّ أَنْ تَكُونَ مُسْتَقْرراً إِذَا لَزِمْتَ الْجَادَةَ الْوَاضِحَةَ الَّتِي لَا تُخْرِجُكَ إِلَى عَوْجٍ وَلَا تَزِيلُكَ عَنْ مَنَهِاجٍ مَا حَمَلْنَاكَ عَلَيْهِ وَهَدَيْنَاكَ إِلَيْهِ؛ اَي كَمِيل! تَنهَا زَمَانِي مُسْتَحِقُّ ثَبَاتِ اِيْمَانِ هَسْتِي كَهْ اَز جَادَه رُوشَن وَ مُسْتَقِيْمِي كَه تُو رَا بَه كَجِي نَمِي كَشَانَد، پِيروِي كَنِي وَ اَز رُوش وَ رَاهِي كَه مَا بَه تُو آموخْتَه اِيْم وَ بَه سُوِي اَن هِدَايْت كَرْدَه اِيْم، جَدَا نَشُوِي» (كليني، ۱۳۶۸، ج ۲: ۴۲۰). اين سخن گواه آن است كه تحقق ايمان مستقر، نیازمند التزام عملی به مسیر روشن هدایت و تربیت مستمر در پرتو آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل فرایند تبدیل ایمان مستودع به ایمان مستقر در سیره تربیتی امامان شیعه با تأکید بر حدیث معارین انجام شد و نشان داد که استقرار ایمان، یک روند چندبعدی و پویاست که ترکیبی از عوامل معرفتی، عاطفی، رفتاری و اعتقادی را دربرمی‌گیرد.

تربیت عقلانی و تقویت معرفت دینی، پایه اساسی ایمان مستقر است؛ به این معنا که

(غلامرضا خوش نیت)

بدون شناخت عمیق و استدلالی آموزه‌های دینی، ایمان نمی‌تواند از حالت سطحی و ناپایدار به یک باور ریشه‌دار تبدیل شود. امامان شیعه با آموزش مستدل و روشنگری اصول اعتقادی، زمینه فهم و تحلیل درست مسائل اعتقادی را برای پیروان فراهم می‌آوردند و آنان را برای مواجهه با چالش‌های فکری آماده می‌کردند.

در کنار بعد عقلانی، تربیت عاطفی و قلبی نقش مکمل را ایفا می‌کند. ایجاد پیوندهای محبت‌آمیز، عشق به اهل بیت (علیهم السلام) و تربیت معنوی، ایمان را از حد یک باور عقلی صرف فراتر برده و آن را به سطحی از تعهد درونی و پایداری می‌رساند. این بعد عاطفی موجب مقاومت در برابر شک‌ها و اضطراب‌های روانی شده و به مؤمنان نیروی پایداری می‌بخشد که آن‌ها را در مسیر ایمان ثابت قدم نگه می‌دارد.

الگوسازی عملی امامان، به‌عنوان نقطه اتصال میان باور و عمل، اهمیت ویژه‌ای دارد. زندگی عملی و رفتاری امامان، الگویی زنده و عینی برای پیروان فراهم کرد که به‌واسطه آن ایمان از حالت نظری به عرصه عمل منتقل و به این ترتیب، استقرار و تثبیت ایمان تضمین شد.

ایمان مستقر، نه تنها به تثبیت ایمان فردی کمک می‌کند، بلکه بر انسجام و پایداری اجتماعی نیز تأثیرگذار است. جامعه‌ای که در آن ایمان مستقر شده باشد، در برابر تهدیدات فرهنگی، سیاسی و اعتقادی مقاومت بیشتری نشان می‌دهد و قادر است ارزش‌های دینی را به نسل‌های بعدی منتقل کند.

با توجه به اهمیت حدیث معارین در تبیین خطرات مسیر ایمان و ضرورت نهادینه‌سازی آن، این پژوهش تأکید می‌کند که تنها با پیوندی هماهنگ میان عقل، قلب، عمل و مواجهه علمی با تهدیدات می‌توان ایمان مستقر و پایدار را در جامعه اسلامی ایجاد کرد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم


- نهج البلاغه**. (۱۳۸۵). ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). **شرح نهج البلاغه**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۰ق). **علل الشرائع**. قم: المکتبه الحیدریه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق). **التوحید**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۴ق). **عیون أخبار الرضا**. تحقیق: حسین اعلمی. قم: نشر العالمی.
- ابن حجاج، مسلم. (۱۴۲۶ق). **صحیح مسلم**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن شعبه جزائری، ابو محمد حسن بن علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۱۵ق). **معجم المقاییس فی اللغة**. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. تحقیق و تصحیح: محمد مصطفی عاصم. بیروت: دار صادر.
- اصغری، محسن. (۱۴۰۳). «ایمان ثابت و ایمان عارضی». **تبلیغ و تقریب**. دوره ۳، شماره ۵. صص: ۸۳-۹۰.
- بحرانی، عبدالله. (۱۳۶۳). **عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال**. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). **الجامع الصحیح** (تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر). بیروت: دار طوق النجاة.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۶ق). **الجامع الصحیح** (سنن الترمذی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). **غرر الحکم و درر الکلم**. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. محقق و مصحح: سید مهدی رجائی. قم: دار الکتب الإسلامی.
- جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۵). **ویگردهای نوین در تربیت دینی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). **تسنیم: تفسیر قرآن کریم**. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). **تفسیر نور الثقلین**. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- حسینی عاملی جزینی، سید محمد. (۱۳۹۸ق). **اثنا عشریة فی المواقف العددیة**. قم: نشر الهادی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دار القلم.
- رفاعی، سیدحسین محمد. (۱۴۲۱ق). **نور الأنوار فی فضائل الأئمة الأطهار**. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۵ق). **تهذیب الأحکام**. تصحیح حسن الموسوی. قم: دار الکتب الإسلامیة.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۷۱). **اسلام، راهبر زندگی الاسلام بقود الحیات**. بیروت: دارالتعارف.
- طبرسی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۱۴ق). **الاحتجاج**. قم: مؤسسه آل البيت.
- طریحی نجفی، فخرالدین. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين و مطلع النیرین**. تحقیق: السید احمد الحسینی. تهران: نشر مرتضی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴ق). **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن کریم**. بیروت: دارالفکر.

(غلامرضا خوش نیت)

- عمویی، الهام. (۱۴۰۱). «تحلیل فرایند ایمان در قرآن». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵ق). *العین*. به کوشش مهدی مخزومی. قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- قمی، عباس. (۱۴۲۶ق). *نفس المهموم*. قم: انتشارات دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). *مفاتیح نوین*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *اخلاق اسلامی در نهج البلاغه*. قم: نسل جوان.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱). *شرح فارسی شهاب الأخبار*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۸). *الکافی*. ترجمه و تحقیق: مهدی رجائی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- لیثی الواسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*. قم: دار الحدیث.
- مالک بن انس. (۱۴۱۵ق). *الموطأ*. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تحقیق: محمدباقر النجفی. قم: مؤسسه الوفاء للطباعة والنشر.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). *میزان الحکمة*. قم: دار الحدیث.
- مرعشی نجفی، سیدعلی اصغر. (۱۳۸۰). *روش های نهادینه سازی ایمان در منابع روایی*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۷۴). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنیاد بعثت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- نصر، حسین. (۱۳۸۵). *چالش های ایمان در جهان معاصر*. تهران: انتشارات روزنه.



## An Analysis of the Process of Transforming Deposited Faith (*Īmān Mustawda*) into Established Faith (*Īmān Mustaqarr*) in the Educational Conduct of the Ahl al-Bayt (as), with Emphasis on the Ḥadīth al-Ma'ārīn

Gholamreza Khoshnayat <sup>1</sup>

Received: July 30 , 2025

Revised: August 26 , 2025

Accepted: August 27 , 2025

### Abstract

One of the fundamental challenges in the field of religious studies and religious education is the decline in faith and instability of belief in critical situations of belief; a phenomenon that has been explained in narrative sources with the two concepts of "deposited faith" (temporary and trust-like faith) and "established faith" (rooted and stable faith). The hadith of Ma'arin, by outlining the instability of faith in the face of tests, is one of the fundamental sources for analyzing this distinction. This hadith, referring to the fall of individuals on slippery paths, emphasizes the need to establish faith in the soul of the believer. The present study, using an analytical-descriptive method and utilizing narrative, interpretive, and theological sources, seeks to explain the process of transforming deposited faith into established faith in the educational path of the Shiite Imams. The findings of the research show that the pure Imams (a.s.) provided the basis for the formation of established faith in the souls of their followers by employing mechanisms such as rational education and strengthening religious knowledge, emotional and heart education, practical education and role modeling, gradual education, and audience recognition. This research ultimately shows that rereading the life of the infallibles in the light of the hadith of the scholars can provide a strategic model for the contemporary religious education system in the face of ideological crises.

**Keywords:** Established faith, established faith, hadith of the scholars, life of the Ahl al-Bayt (a.s.).

---

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Mahallati University of Qom, Qom, Iran: r\_khoshnayat@yahoo.com